

بیع نجاسات ذاتی و عرضی

حسن قلی پور*

چکیده:

از آنجائیکه اقتصاد و بازرگانی یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی در زندگی بشر می باشد، و هر روزه جامعه انسانی با آن سر و کار دارد و همه مردم با آن مواجهه هستند؛ لذا بر همه مردم لازم است به این کار اساسی توجه کنند تا در معاملات به حرام نیفتند. در این مقاله سعی شده است پیرامون انواع معاملات حرام از قبیل اعیان نجس، نجاست ذاتی و نجاست عرضی، جواز بیع روغن نجس، حیوان مرده، خون و بول حیوانات بحث و گفتگو گردد. امید است مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اعیان نجس، فقاع، نجاست ذاتی، نجاست عرضی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

مقدمه

در چند مقاله قبل درباره آداب تجارت و آشنایی آن از منظر حقوق اسلام و نقش اساسی آن در زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه بحث و بررسی شد و در آخرین مقاله درباره معاملات حرام و کسب های نامشروع مختصراً بحث شد.

معاملات حرام: عبارتند از اول اعیان نجس، دوم: آلات لهو، سوم: بت، چهارم: صلیب، پنجم: آلات قمار، ششم: بیع اسلحه به دشمنان دین، هفتم: اجاره اماکن و حیوانات برای عمل حرام، هشتم: فروختن انگور و خرما به منظور ساختن مسکر. در اینجا تبرکاً یک آیه درباره مذمت خوردن مال مردم و عظمت تجارت نقل می کنم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا».

ای اهل ایمان مال یکدیگر را بنا حق نخورید، مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کرده (و سود ببرید) و یکدیگر را نکشید که البته خداوند بشما بسیار مهربان است. (سوره نساء آیه ۲۹)
قال رسول الله (ص): «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الشُّهَدَاءِ» رسول خدا (ص) فرمود: تاجر درستکار در روز قیامت با راستان و شهیدان محشور میشوند. (منهاج الصادقین، مرحوم احسان بخش)

یکی از معاملات حرام اعیان نجس (عین های نجس) و خرید و فروش چیزهایی است که نجس می باشد. یکی از آنها شراب های مست کننده است که در مقاله قبلی بحث آن گذشت.

حرمت فقاع

دوم: فقاع (شرابی که از شیره جو گرفته میشود یعنی آبجو) که خرید و فروش آن حرام است. هر چند مست کننده نباشد در روایت نیز آمده است که فقاع نیز خمر محسوب است. شیخ طوسی گوید: آبجو نیز مانند خمر حرام است و اگر کسی آن را بنوشد یا با آن کار کند و کسب روزی نماید، حرام است. آنگاه شیخ تأکید کرده که هر طعام و نوشیدنی که در آنها مقداری یا کمی از شراب حرام باشد، یا مقداری ناچیز از نجاسات و مخلوط است در آنها باشد و شخص آن را بخورد یا با آن تجارت و کسب کند یا در آن تصرف نماید، حرام بوده و از آن منع شده است (النهایه/ ۳۶۴)
لازم به ذکر است که هر چیزی که حرام است به تبع حرمت آن، خرید و فروشش نیز حرام



می شود. رسول خدا(ص) فرمودند: «انّ الله تعالى اذا حرّم شيئاً حرّم ثمنه» (همانجا)؛ همانا خدای تعالی هرگاه چیزی را حرام اعلام کند، ثمن و بهایش را نیز حرام می داند. و نیز فرمود: «انّ الذی حرّم شربها حرّم بیعها» (شیخ طوسی، الخلاف ۳/۱۸۵)؛ همانا چیزی که نوشیدنش حرام است، بیعش نیز حرام است.

شهید ثانی علاوه بر قول به حرمت مایعات نجس مثل خمر و نیبذ(شرابی که از خرما گیرند) و آبجو، قایل به حرمت حشیش هم شده که از مایعات نیست ولی سکر آور است. (شرح لمعه ۳/۲)

مایعات نجس

یکی دیگر از اعیان نجسی که خرید و فروش آنها جایز نیست، مایع نجس است که قابل تطهیر نباشد یعنی نتوان آنرا پاک و تطهیر کرد و نجاست آنرا برداشت.

چیزهایی که قابل تطهیر نیستند یا بواسطه نجاست ذاتی، نجس هستند مانند دنبه حیوان مرده. بنابراین اگر کسی دنبه گوسفند مرده ای را آب کند و بفروشد، خرید و فروش آن حرام است. حتی دنبه را از گوسفند زنده جدا کند و آنرا آب نماید و بفروشد، خرید و فروش آن حرام است. در هر صورت مبیعی که نجاست ذاتی دارند و قابل تطهیر نیستند نجس میباشند. و یا نجاست عرضی دارند که قابل تطهیر هستند، مانند فضله موش یا موش مرده ای که در شیر و یا سرکه بیفتد خرید و فروش آن شیر و سرکه جایز نیست. چون نجاست آن عرضی است و بنا به قول فقهاء قابل تطهیر نیستند. اگر چنانچه قابل تطهیر باشد، بیع آن جایز است و هر چیزیکه قابل تطهیر هستند خرید و فروش آن مانع ندارد، بشرط اینکه فروشنده نجاست آن را به مشتری اعلام نماید. مانند آب نجس که قابل تطهیر است بواسطه اتصال به آب کر، پس خرید و فروش آن مانعی ندارد. آیا مایعات نجس غیر از آب(مانند سرکه و شیر و روغن) قابل تطهیر هستند یا خیر؟ دو قول است صاحب لمعه میفرماید قابل تطهیر نیستند.

در کتاب(اطعمه و اشربه) صاحب لمعه میفرماید که مایعات نجس بجز آب، پاک نمی شود تا وقتی که هنوز بر حقیقت خود باقی هستند. (یعنی تا وقتی که با آمیختن آنها با آب کر، هنوز در آب کر مستهلک نگشته و به آب مطلق تبدیل نشده باشند نجس هستند) در مقابل این نظر دو قول از علامه حلی(ره) نقل شده است:

۱- مایعات نجس بواسطه مخلوط شدنشان با آب کر، پاک می شوند هر چند آب کر، بواسطه

اختلاط با آنها از مطلق بودن خارج شود و مضاف گردد، و یا به عکس شوند یعنی هر چند آن مایعات بر حقیقت خود باقی مانده و هنوز در آب کر مستهلک نگشته باشند و بر همین نام باقی باشند.

۲- اینکه درباره روغن نجس فقط گفته است که قابل تطهیر است به این طریق که آن را با آب کر مخلوط کرده بطوریکه تمام اجزایش از هم پاشیده شود و هر جزئی از آب با روغن مخلوط شود و اجزاء روغن که روی آب جمع شده و از آب جدا کنند پاک است.

جواز بیع روغن نجس

تنها یک نوع از مایعات نجس غیر قابل تطهیر، بیعش جایز است و آن روغنی است به تمام اقسامش (چه روغنی که از معدن گرفته باشند مانند نفت، و یا از گیاه گرفته شده باشد مثل روغن زیتون، و یا از حیوانات گرفته شده باشند مانند روغن دنبه). البته مشهور فقهاء جواز بیع روغن نجس را به صورتی که به منظور روشن کردن در زیر آسمان باشد، جایز می دانند. برخی از علماء بیع روغن نجس را جایز می دانند، و فرقی ندارد چه برای روشن کردن در زیر سقف باشد، و یا در زیر آسمان بخاطر اینکه در اثر سوختن استحاله شده است، و استحاله یکی از مطهرات است. (علامه حلی، تبصره المتعلمین ۱/۲۲۷- خوانساری، جامع المدارک ۳/۶)

حیوان مرده

ابوبصیر گوید از امام صادق (ع) سوال کردم در مورد موشی که در روغن پیه می افتد و در آن می میرد، امام در جواب فرمودند: «اگر روغن جامد باشد پس آن را رها کن و آنچه را که در اطرافش هست دور بریز و آنچه که از روغن باقی می ماند قابل خوردن است ولی اگر روغن مایع باشد برای روشنایی از آن استفاده کن.» (وسائل الشیعه ۱۲/۶۶)

شیخ انصاری می گوید: قسم دیگر از اقسام روغن های متنجس روغنی است که استصباح منفعت غالبه اوست به گونه ای که مالیت روغن به اعتبار استصباح می باشد (مثل روغن هایی که برای آتش افروختن و اسراج آماده شده و جزء سوختهها به حساب می آیند) پس در این مورد باید دانست که در صحت بیع چنین روغنی اصلاً قصد استصباح معتبر نمی باشد چرا که شارع مقدس با تجویز استصباح به وسیله روغن مزبور، مالیت عرفی آن را امضاء نموده است. و مانند این قسم

است زمانی که روغن به گونه ای باشد که استصحاب، منفعتِ مقصود آن بوده و با منفعت خوردن که حرام است، مساوی باشد (یعنی از روغن مزبور منفعت خوردن و استصحاب به طور یکسان مورد بهره برداری قرار می گیرد) مثل روغن دنبه و زیتون و کنجد، در اینجا قصد منفعتِ حلال (یعنی استصحاب) معتبر نمی باشد تا چه رسد به اشتراط آن، چرا که در مالیت مال، وجود منفعتی مقصود و حلال کافی است. اما اگر منفعت حرام شرط شود به علت فساد شرط، عقدهم فاسد می شود. (المکاسب ۱/ ۲۵ و ۲۶)

یکی دیگر از اعیان نجسی که خرید و فروش آن حرام است حیوان مرده است (یعنی مردار چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت، چه حیوان نجس العین باشد مانند سگ و خوک، و چه پاک باشد مانند گوسفند و گاو) بنابراین خرید و فروش مردار حرام می باشد. و همچنین حرام است خرید و فروش اجزاء آن، اجزائی که حیات در آن حلول کرده باشد (یعنی در وقت زنده بودن حیوان، آن اجزاء روح داشته باشد). مثل سر، دست، گوشت بدن، پوست، دنبه و امثال اینها. شیخ انصاری دلیل بر حرمت معاوضه بر مردار را روایت نبوی می داند که: «می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَنَهُ»؛ همانا چیزی که حرام شمرده شده، ثمن آن نیز حرام است. (المکاسب ۱/ ۱۲ و ۱۳)

اما بیع اجزائی که حیات در آنها حلول نکرده مثل مو و پشم و شاخ حرام نیست. بشرط اینکه از اجزاء آن حیوانی باشد که نجس العین نباشد و بحسب ذات پاک باشد مانند گاو و گوسفند و غیرهما. بنابراین بیع پشم و یا سم حیوان نجس العین (مانند سگ و خوک) جایز نیست. در این رابطه داستانی وجود دارد که خالی از فایده نیست. در کتاب قصص العلماء در حالات شیخ بهائی نقل کرده: گویند سلطان آن زمان روزی به عزم شکار باتفاق شیخ بهائی بیرون رفت و شیخ غالباً در عقب آهسته می رفت که ملازمان سلطان، خوکی را صید کردند و به نزد سلطان آوردند، چون سلطان نگاه کرد دید که بر دندان آن خوک لفظ جلاله یعنی الله نوشته شده است، مشاهده کرده است. سلطان تعجب کرد زیرا که معلوم است این کار انسان نیست و لفظ جلاله (الله) پاکیزه است به نحوی که بدون وضوء انسان نمی تواند آن را مس نماید و آب دهان خوک نجس است. و خوک نجس العین است، پس این چگونه خواهد بود، سلطان فرستاد از عقب قافله شیخ را حاضر کردند و او از شیخ استفسار حلّ این مسئله را نمود، شیخ فرمود که بسا باشد که این حکایت مؤید قول سید مرتضی (ره) باشد که او اجزاء ما لا تحله الحیاه را نجس العین نمی داند، طبیعی در آن محضر حاضر بود گفت: شیخ الرئیس ابوعلی سینا دندان را داخل در مالا تحله الحیاه می داند و می گوید حیاه در

آن حلول کرده، شیخ فرمود: بعد از آنکه اخبار از ائمه علیهم السلام وارد شده باشد که دندان داخل در مالا تحله الحیاه است پس اعتباری به کلام ابن سینا نخواهد بود.

چون آن طبیب این سخن را شنید سر خود را تکان داد و خندید یعنی در مقام سرزنش و تشنیع بود که ایشان نمی فهمند و جمود بر اخبار می نمایند، شیخ از آن طبیب در غضب شد، فرمود مرا در این مقام ایرادی بر ابن سینا است که هرگز از آن خلاصی ندارد، طبیب گفت که آن چه ایراد است؟ شیخ فرمود که: ابن سینا در فلان بحث از کتاب قانون گفته است که هیچ استخوان در حیوان و انسان، حیات در آن حلول نکرده و این کلام سالبه کلیه است و در جای دیگر گفته است که بعضی استخوانها حیات در آن حلول کرده و آن دندان است و این قضیه موجه جزئی است و موجه جزئی نقیض سالبه کلیه است پس دو کلام «قانون» ابوعلی سینا تناقض دارد.

طبیب گفت که لابد است که من به کتاب قانون رجوع کنم تا حل این مشکل کرده باشم. شیخ فرمود برو هزار بار رجوع کن که رجوع کردن تو نفعی ندارد. (علی الظاهر) بحسب ذاته این قید برای این است که اگر چنانچه حیوانی بحسب ذات پاک بوده باشد مثل گوسفند ولی بالعرض در اثر نجاست خواری نجس شده باشد (یعنی جلال شده باشد که نجس است) مع الوصف اجزاء مالا تحله الحیاه از آن بیعش جایز است.

البته در بعضی روایات جواز بیع میتة هم آمده و از آن جمله است روایت صیقل که گفته است: جماعتی به حضور امام موسی کاظم (ع) نامه ای نگاشتند بدین مضمون که فدایت شوم ما شمشیر سازیم و معیشت و تجارتی غیر از تجارت شمشیر نداریم، و به تجارت شمشیر اضطراب داریم (یعنی برای تأمین معاش خود و خانواده مان بدان احتیاج داریم) و همانا غلاف شمشیرها از پوست مردار آستران و خران می باشد و در اعمال ما جز پوست مردار (که ذکر شد) جایز نیست (یعنی غیر از پوست مردار استر و حمار، به کار نمی آید) آیا برای ما ساخت آن و خریداری و فروش و لمس آن به دستان و لباسهایمان جایز و حلال است؟ در حالی که مادر لباسمان نماز می خوانیم. حضرت در پاسخ نوشتند: برای نمازتان لباس دیگر قرار دهید. (صحیح بخاری، باب ۲۸۹ ص ۱۷۹)

از این روایت استفاده می شود که معامله، سود بردن و بهره برداری از پوست مردار به این شکلی که آن را غلاف شمشیر قرار دهند، جایز است. به همین جهت است که به نظر بعضی از فقهاء که قایل به عدم جواز بیع میتة می باشند، آب کشیدن با پوست مردار برای مصارف دیگر غیر از نماز و نوشیدن جایز است. (محقق حلی، شرایع السلام ۴/۲ - علامه حلی، قواعد الاحکام ۱/۱۳۸)



شیخ انصاری گوید: «معاوضه بر مردار حیوانی که خون جهنده ندارد در صورتی که از آن یا بعضی از اجزایش انتفاعی برده شود، جایز می باشد؛ مانند روغن مالی که معاوضه بر آن جایز می باشد چرا که مقتضی برای جواز موجود و مانع مفقود است، زیرا ادله عدم انتفاع به میته اختصاص به مردار نجس دارد و فرض ما این است که مردار مورد نظر پاک می باشد و بدانچه که ما بیان داشته ایم جماعتی نیز تصریح کرده اند و ظاهراً حکم مزبور از اموری است که در آن اختلاف وجود ندارد.» (المکاسب ۱۶/۱)

خرید و فروش خون

پنجم از اعیان نجسی که خرید و فروش آن حرام است، خون میباشد، هر چند برای آن نفع حکمی نیز فرض شود باز هم حرام است. نفع حکمی آنست که حقیقتاً نفع نمی باشد بلکه شبیه به آنست مثل استفاده از خون برای رنگرزی چه آنکه این رنگ ثابت نیست. چون شباهت به انتفاع و استفاده دارد به آن نفع حکمی گویند.

شیخ انصاری گوید: «این که خون پاک، در صورتی که برایش منفعتی حلال مانند استفاده در رنگرزی فرض شده و قایل به جواز چنین بهره برداری باشیم، در جواز بیعش دو وجه وجود دارد و قوی ترین آن دو جواز بیع است چرا که خون پاک عینی است طاهر که منفعتی حلال از آن استیفاء می شود.» (المکاسب ۱۲/۱)

شیخ در ادامه سخن خود روایت مرفوعه واسطی را نقل می کند که این روایت حاکی از گذر امیرالمومنین (ع) بر قصابها و نهی ایشان از فروش هفت چیز (خون، غده های موجود در گوشت، عضو سفید رنگ بالای قلب که اذان الفواد نام دارد، طحال و...) می باشد، بعد از نقل روایت می گوید: «ظاهراً مقصود حضرت، حرمت خرید و فروش این هفت چیز به قصد خوردن می باشد و شکی در تحریم خرید و فروش آنها نیست چرا که قصد منفعت حرام در مبیع موجب حرمت بلکه بطلان بیع می گردد.» (همانجا) و این مطلب را می توان از قاعده الحقول تابعه للقصود نیز استفاده کرد که هر عقدی تابع قصدش است، پس اگر قصد از بیع خون، خوردن آن باشد که یک منفعت حرامی است پس خود آن عقد هم که تابع چنین قصدی است، حرام می باشد. و شاید دلیل علمای عظام که جمیع تصرفات در خون را حرام می دانند به این علت باشد که منفعت غالب خون، خوردن آن است و خون منفعت دیگری غیر از خوردن نمی تواند داشته باشد.

لذا حکم حرمت را برایش مطرح کرده اند.

مرحوم حاج سید احمد خوانساری در مورد جواز بیع خون می گوید: «اگر برای خون منفعتی حلال و مقصود عقلاء باشد، دلیلی بر حرام بودنش وجود ندارد، مانند فروش خون به کسی که دچار کم خونی است و مشرف به مرگ می باشد.» (جامع المدارک ۲/۳) در واقع به نظر خوانساری حرمت هر چیزی در فرضی است که دارای منفعت محلله مقصوده للعقلاء نباشد و گرنه حکم حرمت از آن منتفی است.

بول حیوان

ششم از اعیان نجسی که خرید و فروش آن حرام است بول حیوان حرام گوشت (خواه حیوان نجس باشد مانند سگ و خوک خواه نجس نباشد مثل انسان و شغال و روباه و گربه و امثال اینها) هر چند منفعت داشته باشد مانند برای کود زراعت کشاورزی). برخی از فقها قائلند به منع خرید و فروش بطور مطلق هر چند از حلال گوشت باشند مگر بول شتر که بیع آن جایز است فقط برای طلب شفای مرضی بوسیله آن چنانکه در احادیث نیز آمده است. (شیخ طوسی، النهایه/ ۳۶۴-۳۶۵- محقق حلی، المختصر النافع ۱۴/۴۴۹) روایت دارد خوردن بول شتر برای شفاء مانعی ندارد. در طب قدیم نوشته اند که بول شتر برای مرض های ورم کبد، مرض تشنگی مفید است و نیز قوه باه را زیاد می کند.

اهل یمن فصلی از سال شترهای خود را به چراگاهی که مخصوص یمن است می برند و آنجا علف مخصوص دارد در مدتی که علفهای آنجا را می چرند، بول شترها را ضبط می کنند، و از آن قرصها میسازند و در موسم حج در مکه می فروشند و برای معالجه زخمها و دملهای انسان و حیوان مفید است.

علامه مجلسی (قدس سره الشریف) در کتاب بحار الانوار ج ۶۲ ص ۱۸۲ حدیثی را نقل می کند که مفضل یکی از اصحاب امام ششم (ع) بود سؤال کرد یابن رسول الله در هنگام راه رفتن نفسم می گیرد چه بسا در فاصله میانه خانه ام تا خانه شما دو جا می نشینم، حضرت فرمود ای مفضل از بول شتران شیر ده بنوش. مفضل گوید نوشیدم و خداوند در دم به من شفا داده است.

شهید ثانی گوید: «سرگین و بول حیواناتی که گوشتشان خورده نمی شود (غیر ماکول اللحم) حرام است اگر چه برای آنها نفعی فرض شود، اما بول و غائط حیواناتی که گوشتشان خورده می شود، مطلقاً جایز است چه شتر باشد چه غیر شتر، چون آن حیوانات حلال گوشت و پاک



هستند و نفعی در معامله بول آنها می باشد.» (شرح لمعه ۴/۲)

اما در مورد عذره (غائظ) دوروایت است که تناقص کامل با هم دارند: یکی روایت یعقوب بن شعیب است که آمده: «ثمن العذره من السمّت»؛ ثمن عذره از مال حرام شمرده می شود. و دیگر روایت محمد بن مضارب است که آمده: «بأس بیع العذره»؛ فروش عذره اشکالی ندارد. شیخ طوسی بین این دو روایت جمع کرده که اولی بر مدفوع چهار پایان دلالت دارد. شیخ انصاری گوید: شاید حمل مرحوم شیخ طوسی بدین جهت است که روایت اولی در مدفوع انسان نص است و در غیر آن ظاهر ولی روایت دوم نص در عذره غیر انسان و ظاهر در مدفوع انسان است. پس ظاهر یکی به نص دیگری طرح شده و کنار گذاشته می شود. (المکاسب ۱/۱۱)

معامله سگ و خوک

هفتم و هشتم از اعیان نجس که خرید و فروش آن حرام است انواع سگ و خوکی است که در خشکی زندگی می کنند. مگر چهار دسته از سگها که خرید و فروش آن ها جایز است. ۱- سگ شکاری ۲- سگ گله ۳- سگ نگهبان زراعت ۴- سگ نگهبان باغ و خانه. شهید ثانی گوید: «خوک و سگ صحرايي مطلقاً حرام است (چه منفعت داشته باشد یا منفعتی نداشته باشد) مگر سگ صید یا شکاری و سگ گله و مزرعه و باغ، هم چنین خرید و فروش سگی که قابل تعلیم باشد به عنوان سگ گله و صید و مزرعه و نگهبان هم حلال است.» (شرح لمعه ۴/۲)

شیخ انصاری در باب استثناءات اعیان نجسه می گوید: «معاوضه بر غیر سگ ولگرد فی الجمله جایز است بدون این که اختلافی ظاهر باشد و اطلاق بسیاری از اخبار دلالت بر این مطلب می نماید که بهای دریافتی در قبال سگ حرام است و این روایت بر سگ ولگرد حمل می شود. و گفته می شود که منظور از «صمن الکلک سحت» ثمن کلب هراش است چرا که اخبار متواتر و نقل اجماع که بر سرحدانتفاضه رسیده دلالت بر جواز بیع غیر سگ هراش می نماید.» (المکاسب ۱/۱۸)

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، شرح و تحقیق: قاسم شماعی رفاعی، بیروت، دارالقلم،

- ۳- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۴- خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ناشر: مؤلف، ۱۳۶۴ ش.
- ۵- شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح لمعه (الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة)، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۴ ش.
- ۶- شیخ انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۴ ش.
- ۷- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، کتاب الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- ۸- _____، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم انتشارات قدس محمدی.
- ۹- علامه حلّی، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الذین، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۰- _____، قواعد الاحکام، قم، منشورات رضی.
- ۱۱- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت مؤسسه الوفاء.
- ۱۲- محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۳- _____، المختصر النافع، چاپ در سلسله الینابیع الفقهیة، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه و النار الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.